

# اسناد تاریخ ایران در کتابخانه انستیتوی تاریخ آکادمی علوم گرجستان

● تنظیم و ترجمه:

سید محمدحسین مرعشی، سیده فاطمه مرعشی

■ Persidskie istoricheskie dokumnti v Knigokhranilishakh gruzi;

Acta et Diplomata Historica Persice Scripta. Kiniga I, Vipousk 1.

■ ed. V. Puturidze.

■ Akademia Naouk Grouznskoy SSR. Sumptibus Academiae scieniarum Georgiae, Tbilisis, 1961.

■ اسناد تاریخی ایران در کتابخانه انستیتوی تاریخ آکادمی علوم

گرجستان

■ و. پرتوریز

■ آکادمی علوم گرجستان. اتحاد جماهیر شوروی، تفلیس، ۱۹۶۱

کتاب در ۹۴ صفحه، متن و تصویر سند به فارسی با توضیحاتی به زبان گرجی حدود نیم قرن پیش، در سال ۱۹۶۱، در تفلیس به چاپ رسیده است. در آرشیو دولتی تاریخ گرجستان، میلیون‌ها برگ سند نگهداری می‌شود که بر اساس موضوع و دوره‌ی تاریخی در مجموعه‌های (fond) بزرگی نگهداری می‌شوند. زبان این اسناد گرجی، روسی، فارسی و ترکی است. اسناد فارسی در مجموعه (collection) اسناد فارسی قرار دارند. ولادیمیر پوتوریدزه و سرگئی جیکیا، این اسناد را طبقه‌بندی کرده‌اند. اسناد فارسی دیگری نیز در مجموعه‌های دیگر وجود دارد.

اسناد این کتاب، متعلق به قرون ۱۶ تا اوایل ۲۰ و در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و حکومتی است که از جنبه‌های تاریخی و سندشناسی درخور تأمل است. در آن زمان، فرمانروایان دولت مرکزی ایران، اداره‌ی امور داخلی گرجستان و نیز اجرای فرامین و احکام خود را به والیان گرجی محول می‌کردند. ایران‌شناسان گرجی بیشتر به حکم‌ها و فرمان‌های شاهان ایران به حاکمان کارتل / Kartel و کاخت / Kakht - از ایالات شرق گرجستان - و خانان محلی قفقاز، مانند ایروان، گنجه، شروان، قراباغ، تالش، دربند و ... توجه داشتند. دکتر ان. مار / N. Marr برخی از این اسناد - فرمان‌های شاهان ایران - را که ن. اسمیرنوف / N. Smirnov و جی. گایبوف / J. Gaybov ترجمه کرده بودند، در سال ۱۹۳۶ انتشار داد. سال‌ها بعد، به کوشش م. خوبوا / M. Khubua و پس از او پوتوریدزه / V. Puturidze به انتشار فرمان‌های شاهان ایران ادامه دادند.

این اسناد که سلطانیات خوانده می‌شوند، جایگاه مهمی در بررسی‌ها و مطالعات تاریخی دارند. به کمک آن‌ها می‌توان اطلاعات پرازشی درباره‌ی شیوه‌ی مکاتبات دیوانی، ثبت آن‌ها، اصطلاحات دیوانی، مالی و اجتماعی بدست آورد. مضمون فرامین و احکام شاهان صفوی راجع به واگذاری املاک، انتصابات، اعطای مقامات حکومتی، دستورات جنگی و غیره است.

هرچند بسیاری از این اسناد از گزند روزگار در امان نمانده، اما توجه دولت سوسیالیستی از همان اوان حاکمیت به جمع‌آوری و بررسی اسناد و کتاب‌های خطی هرچه که بوده باشد، سبب باقی ماندن بخشی از میراث



سندشناسی ایرانی در سده‌های دهم و سیزدهم هجری قمری است. برای نمونه، کاغذ نوشتن فرامین، سفید و نازک اما نسبتاً محکم و اغلب بدون واترمارک و از جنس کاغذ معروف به شرقی است. این فرامین، در قاب‌هایی قرار داده می‌شده که هدف از آن، به گفته آ. د. پاپازیان، پیشگیری از لوله شدن یا درهم پیچیده شدن متن فرمان بوده است. اندازه و قطع این فرامین به‌طور متوسط ۲۸×۱۶ سانتی‌متر در نظر گرفته می‌شده است. این احکام و فرامین با تذهیب‌های بسیار زیبا تزیین شده است. کار تزیین سند میان خطاط و تذهیب‌کار تقسیم می‌شد. بعد از نوشتن متن فارسی، بیشتر به سبک رایج نسخ فارسی انجام می‌گرفت. گرچه تزیین فرامین و احکام فارسی بیشتر به سبک رایج تزیینات نسخه‌های خطی فارسی انجام می‌شد، اما برخی اسناد سبک تزیین منحصر به فردی دارند.

متن فرمان‌ها اغلب بر روی یک صفحه است، اما گاه کاغذ فرمان، از چندین تکه با دقت به هم چسبانده شده، ساخته می‌شده است. احکام و فرامین شاهان صفوی، معمولاً مزین به نقش و نگارهای فراوانی از گل و گیاه با رنگ‌های طلایی و آبی، سرخ و سبز رنگ است. مهر شاهی نیز با نقش و نگارهایی که با همان رنگ‌ها تزیین می‌شده‌اند، احاطه می‌گردیده است. این فرامین همیشه با یاد خدا و بیشتر، به صورت اختصاری «هو» آغاز می‌شود که در بالای حاشیه‌ی بالایی نوشته می‌شده است. تشخیص این عبارت، هنگامی که با رنگ طلایی روی زمینه‌ی طلایی نوشته شده باشد، دشوار است. همراه با کلمه هو، اغلب، «یا محمد، یا علی» و «الملک لله» نیز می‌آمده است. در بعضی فرمان‌ها، در زیر کلمه هو،

مکتوب ما ایرانیان و روشن تر شدن چگونگی مناسبات سیاسی و اجتماعی در دورانی است که قفقاز در حاکمیت ایران قرار داشته است.

به هر حال، به نوشته‌ی دانشمندان روسی - در مقدمه‌ی این کتاب - مجموعه‌ی بزرگی از نسخه‌های خطی و اسناد اصل و یا رونویسی شده، شامل اسناد تاریخی ایران، همچنان در آن سرزمین نگهداری می‌شود. از مهم‌ترین این اسناد و منابع، بخشی درباره‌ی تاریخ گرجستان و قفقاز در دوران حاکمیت صفویان است که در انستیتوی نسخ خطی آکادمی گرجستان (بخش نسخه‌های خطی موزه‌ی دولتی گرجستان) و آرشیو تاریخ مرکزی دولتی گرجستان، نگهداری می‌شوند.

کتاب حاضر، مجموعه‌ای کوچکی از اسناد تاریخی ایران، شامل ۳۷ فرمان و حکم است که مکان نگهداری آن، کتابخانه انستیتوی تاریخ آکادمی علوم گرجستان است. قدیمی‌ترین سند تاریخ‌دار این مجموعه، فرمان شاه طهماسب اول، مورخ ۱۵۴۱م است.

گردآورنده این اسناد تاریخی، در مقدمه کتاب که به زبان روسی نوشته شده است چنین آورده: اسناد تاریخی ایران که در این مجموعه نگهداری می‌شوند، مختلف و متنوع‌اند. در این مجموعه‌ها، فرامین شاهان ایرانی و احکام خوانین نیمه‌مستقل قفقازی و گرجی همچنین اوراق تملک و دارایی‌های حاکمان گرجی نیز به چشم می‌خورد. به عقیده‌ی نویسنده، بخش عمده‌ی این اسناد، اصل هستند. نسخه‌های رونویسی شده، در آرشیو تاریخ مرکزی دولتی نگهداری می‌شوند. از این مجموعه‌ها، مجموعه ارزشمندی از اسناد رونویسی شده مربوط به گرجستان، ارمنستان، ایران و عثمانی وجود دارد که در اوایل قرن نوزدهم انجام گرفته است. رونوشت‌های اسناد ایرانی، در اکثر موارد با مرکب ایرانی و خط خوانای نستعلیق نوشته شده‌اند و به آسانی خوانده می‌شوند، اما در صحت آن‌ها تردید است.

دومین مجموعه، اسناد سیاسی ایران، در سده‌های یازدهم تا اوایل سده‌ی سیزدهم هجری قمری، در ارتباط با داغستان است. آخرین فرمان این مجموعه، فرمان فتحعلی شاه قاجار در ربیع‌الثانی سال ۱۲۲۰ هجری است. در پاره‌ای موارد، به‌خاطر ناقص بودن متن اصلی یا به دلایل دیگر، نسخه‌برداری مغلوط است.

مجموعه کوچکی نیز در کتابخانه انستیتوی تاریخ آکادمی علوم گرجستان وجود دارد که در سال ۱۹۳۵ از نخجوان به‌دست آمده است. برخی از این اسناد که در خانواده‌های زمینداران گرجی و یا افراد دیگر نگهداری می‌شده است، به خانواده‌های زمیندار گرجی، کاتولیک‌ها، مالکان ارمنی، حاکمان داغستانی و دیگران مربوط می‌شود، اما در مجموع، از جنبه‌ی تاریخی، موضوع این اسناد، روابط دولت مرکزی صفوی با ایالات سرحدی خود، در قفقاز است.

در این فرمان‌ها، گاه به حقوق سالانه حاکمان، تیولداران گرجی و یا به موجب سربازان و نیروهای وفادار به شاه اشاره شده است. این اسناد گویای آن است که شاه عباس اول و شاه صفی اول، برای تأمین امنیت در مرزهای شمال غربی، می‌کوشیدند سیاست غیرخشونت‌آمیزی با داغستان داشته باشند. اهمیت این مجموعه اسناد، گذشته از جنبه‌ی تاریخی آن که به روابط مرکز با ایالات مرزی مربوط می‌شود، موضوعاتی درخور تحقیق و پژوهش در زمینه‌ی

ایران و گرجستان و انتظارات متقابل دولت مرکزی و حاکمان ولایات، با فعالیت‌های دستگاه‌های نظارتی ایران در گرجستان، وظایف ماموران و صاحب منصبان در آن ولایت را نشان می‌دهد. نحوه‌ی انتشار اسناد به گونه‌ای است که متن اصلی هر سند، به همان زبان و با رسم‌الخط اصلی سند چاپ شده، اما ترجمه و زیرنویس‌ها به زبان گرجی است. ترتیب قرار گرفتن اسناد نیز بر اساس سال صدور آن است. نویسنده مقدمه، در پایان می‌افزاید تنها بخش کوچکی از مجموعه اسناد فارسی موجود در گرجستان تا کنون به چاپ رسیده است. از این مجموعه اسناد کتاب‌هایی چاپ شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: خاورمیانه براساس اسناد و فرامین با همکاری ج. گایبوف. از سری یاد بود. یو. این. مار. ۱۹۳۶، تفلیس.

اسناد و نسخه‌های خطی نخجوان سده‌های هفده تا نوزده میلادی، ترجمه و شرح از ک. این. اسمیرنوف و ج. گایبوف، ویراستار یو. این. مار، تفلیس، ۱۹۳۶.

مجموعه فرامین و دستورات ایرانی موزه گرجستان، ام. خوبو، انتشارات آکادمی علوم گرجستان اتحاد جماهیر شوروی، تفلیس ۱۹۴۹.

سی و چهار سندی که در این کتاب آمده، همگی به دوره صفوی تعلق دارد. تاریخ نخستین سند از شاه طهماسب، ۲۵ جمادی الثانی ۹۴۸ ق است و آخرین آن‌ها از شاه عباس، ۱۰۷۵ است. موضوع این اسناد به ترتیب عبارت است از:

(۱)

هو الله سبحانه

[بسم الله الرحمن الرحيم]

یا محمد [یا علی]

ابوالمظفر طهماسب بهادر سیوزومیز

[درینوقت مرحمت بیدریغ شاهی] شامل حال دولتمآب سعادت نصاب سراج‌الدین بیگ و مین‌الدین اخوه و مولانا عطا الله فرموده مالیه اراضی شلتوک‌کاری و باغات و ... جانوغ (?) من اعمال ولایات شیروانات بموجبی که حسب الاحکام حکام سابقه بدیشان مسلم بود دانسته بسپورغال ابدی ایشان بموجبی ضمن ارزانی داشتیم حکام و عمال و متصدیان امور دیوانی و تیولداران محال مذکوره حسب المسطور مقرر دانسته بعلت مالوجهات و اخراجات بهر اسم و رسم که باشد سوالی ننمایند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و پیرامون ... مذکور نکردند و رعایت و مراقبت واجب و لازم دانسته هر ساله نشان و پروانچه ... نطلبند تحریرا فی ۲۵ شهر جمادی الثانی سنه ۹۴۸

(۲)

باسم امیر

سواد الاصل رقم شاه عباس

حمزه خان اوسمی

الملک الله

[مهر]



طغرای شاه، حرف نشانه‌ای که نام شاه همراه با لغت ترکی «سیوز و میز» در آن قرار دارد، نوشته می‌شده است.

بر اساس بررسی‌های آ. د. پاپازیان، در فرامین شاهان صفوی که براساس اسلوب پیشینیان - پدر یا پدربزرگ - ایشان ارسال می‌گشت، در جای خالی مناسب و کوچکی از متن، در قسمت بالایی سند، سمت راست مهر شاهی، در کنار آخرین یادآوری، به نشانه‌ی احترام زیاد، در ذیل نام آن‌ها، با جوهر قرمز، دعای خیر نوشته می‌شده است. مکان سجع مهر شاهی که نام شاه نیز در آن ذکر شده، در بالای متن فرمان قرار دارد. این رسم، در مکاتبات شاهان دیگر سلسله‌های پیشین ایران، بدین گونه نبوده است. در احکام و فرامین صفوی، متن فرمان با این عبارت آغاز می‌شود: «فرمان همایون شد» یا «فرمان همایون شرف نفاذ یافت» یا «حکم جهانمطاع شد».

در فرامین و احکامی که در این کتاب آمده، هیچ‌گاه امضایی که جایگزین مهر باشد، به چشم نمی‌خورد. لازم به تذکر است که در فرامین صفوی، به مکان نشر فرمان اشاره نمی‌شود. تقریباً همیشه در پایان همه فرامین، یک علامت طغرا قرار دارد. اما در برخی فرامین به جای این نوشته، یا قبل از آن، این عبارت افزوده شده: «هو حسب الامر الاعلی». در پشت برگ برخی از فرامین به جای نوشته مورد اشاره، عبارت «المشافهه العلیه العالیه» قرار دارد و ضمیمه‌ی آن مهر اعتمادالدوله است.

این اسناد به صورت منظمی ثبت می‌شد. یادداشت‌های مربوطه و مهرهای ثبت کنندگان در پشت هر سند می‌آمد. بررسی و مطالعه این اسناد بسیاری از مسائل و ناگفته‌های مناسبت‌های تاریخی

بنده شاه و ولایت

عباس

(۳)

الملك لله

فرمان همایون شد آنکه در ینوقت بنا بر عنایت بیغایت شاهانه دربارہ زبدهٔ المسیحیہ ملک نظر و اخلاص و دولتخواهی و شاهی سوانی او ملکی و پیشوای سنقرآباد من اعمال قرا باغ را بدو مرجوع فرمودیم کدخدایان و رعایا سنقرآباد از ابتداء سه ماهه قوی ٹیل ملک مشار الیه را ملک و ریش سفید خود دانسته از سخن و صلاح حسایی او بیرون نروند و بیوقوف و شعور او داد و س[تد] نمایند و توجیہات را بمهر او معتبر دانسته لوازم امر مذکور را مخصوص او شناسند داروغه سنقرآباد حسب المسطور مقرر دانسته قضایا که در میانه رعایا آنجا واقع شود در حضور ملک مذکور پرسش نموده جریمه فراخور گناه و استطاعت مجرم باز یافت نمایند و بیوقوف او دخل در پرسش قضایا نمایند درینباب قدغن دانسته از فرموده تخلف نوزند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و رسوم امر مذکور را موافق معمول قدیم بدو متعلق دانسته رسانند و چون بتوقیع و فیه منبع اشرف رسد اعتماد نمایند تحریرا فی جمادی الاول سنه ست عشر و الف من الهجرة

(۴)

هو

الملك لله

فرمان همایون شد، آنکه چون رعایاء قریه مرکت من اعمال الکاء مرند بعرض رسانیدند که جمعی از رعایاء قریه مزبور سرکار ایشان که رعیت الاصل قریه مزکوراند بتفصیل ضمن متفرق شده در محال دیگر می‌باشند و بدینجهت قریه مذکور از حلیه معموری عاری مانده و استدعای حکم همایون در باب جمع نمودن رعایاء متفرقه نمودند بنا برین مقرر فرمودیم که هر گاه رعایاء مذکوره ظہر رعیت الاصل قریه مزبور باشند در هر جا و هر محل باشند و از روی امیدواری تمام بجا و مقام اصلی و وطن مالوف خود آمده بزر[اعت] و عمارت و آبادانی قیام نمایند و در محل دیگر بخلاف قول<sup>۲</sup> عالی که دوازده سال است توقف نمایند و هیچ آفریده خصوصاً حمید برادر شاطر محمد امین مانع آوردن و جمع نمودن رعایا نشده گذارند که ملازمان امارت و حکومت پناه شاهنظر سلطان بایر دلو حاکم الکاء مزبور رعیت متفرقه را جمع نمایند بعہدہ حکام و تیولداران کل و جز و سیما حاکم دارالسلطنہ تبریز که درینباب امداد بتقدیم رسانند و مجال تمبر احدی ندهند درینباب قدغن دانند تحریرا فی شهر رمضان مبارک سنه ۱۰۲۰

(۵)

سواد الاصل از شاه عباس من عنوان الکتاب باسم رستم خان

الملك لله

[مهر]

بنده شاه و ولایت

عباس

فرمان همایون شد آنکه ایالت و حکومت پناه عمدۀ الحکام الکرام نظاما الایالہ و الاقبال رستم خان بعنایت بلاغیات شاهانه و نوازشات بلانهایات پادشاهانه

فرمان همایون شد آنکه ایالت و حکومت پناه عمدۀ الحکام الکرام کمال الایالہ امیر حمزه خان اوسمی حاکم در بند بعنایات بلاغیات شاهانه و نوازشات بلانهایات پادشاهانه مفتخر و سرافراز معزز و ممتاز کشته بداند که چون ایالت پناه بجهت اخلاص و یکجہتی که برین دودمان ولایت نشان دارد دشمن بسیار بهم رسانیده قاعده آن است که قافله از هر طرف خواه از مردم داغستان و خواه از ینجانب بر در بند آیند بدرون شهر نکذاشته دروازه‌ها را به غازیان عظام و مردم خود سپارد که در هر دروازه چند نفر از غازیان قزلباش<sup>۱</sup> و چند نفر از مردم آن ایالت پناه بوده محافظت نمایند که تا مهمات قلعه شماخی قرار یابد و بدست درآید احتیاط واجب و لازم است و آن ایالت پناه نیز مردم اعتمادی خود را در آنجا گذاشته خود متوجه در کاه معلی شود که در باب مهمات آنحدود داغستان بهر چه صلاح داند بدانقاعده به عمل آوریم که اعتماد نواب همایون درین سرحد بقول آن عالیجہ است و مهمات شیروان خصوصاً سرحد در بند و مسکور<sup>۲</sup> و قبه و قلہان و آن حوالی و داغستان را بصلاح او قرار دهیم آن ایالت پناه یکنرکی خود را به عمل آورده تقصیر ننموده روی او سفید و انشا الله تعالی بنوعی او را تربیت فرمائیم که مزیدی بر آن متصور نباشد و در مهمات خود مردانه بوده تا هنگام شرف باسطبوسی روز بروز حقایق حالات عرضه داشت نماید و ہمہ جہتی به شفقت بیدریغ شاهی واثق و امیدوار باشد تحریرا فی

شهر محرم الحرام سنه ۱۰۱۶



امداد و اعانت حسابی رفعت پناهین مشارالیه بتقدیم رسانند<sup>۷</sup> درین باب [قدغن دانسته] هر ساله حکم مجدد نطلبند تحریرا فی شهر صفر ۱۰۲۹  
محل مهر شاه عباس      محل مهر وزیر

(۷)

فرمان همایون شد آنکه ایالت و سلطنت پناه شوکت و حشمت دستگاه عالیجاه خلف السلاطین العظام نظاما للایاله و السلطنه و العز و الاقبال فرزندى سمیون خان والی ولایت کرجستان کارتیل بوفور نوازشات و مراسم بیکران شاهانه و صنوف نلطفات بی‌پایان پادشاهانه عز اختصاص و شرف امتیاز یافته توجه خاطر عاطر اشرف بانتظام احوال و انجام امانی و آمال خود بدرجه کمال تصور نموده بداند که بنا بر ازدیاد شفقت و عنایت بی‌غایت خسروانه درباره رفعت پناه عزت دستگاه عبدالغفار بیک تمامی مواضع و محالی را در کرجستان کارتیل بتیول امیلاخور مقرر بوده بتیول رفعت پناه مشارالیه شفقت فرمودیم می‌باید که چون بر مضمون حکم جهان مطاع مطلع گردد کل آنمحال را بتیول او مقرر داشته بتصرف او دهد که دانسته عنایت فرموده‌ایم و درینباب تقصیر ننموده در عهده داند تحریرا فی شهر صفر ختم بالخیر و الفتح و الظفر سنه ۱۰۳۱

(۸)

حکم جهانمطاع شد آنکه چون املاک موروثی ولدان کورام بیک کرجی که در الکاء کاخ بود الحال از قریه مذکور قطع شد در ... الکاء ایالت و شوکت پناه سلطنت و جلالت دستگاه عالیجاهی خلف السلاطین العظام فرزندى سمیون خان حاکم کرجستان است بدستور بتصرف ولدان مذکور داده مقرر فرمودیم با رفعت پناه نظاما عبدالغفار بیک بوده ازو جدا نشوند رفعت پناه عبدالغفار بیک حسب المسطور مقرر دانسته ولدان مذکور را از خود جدا ننماید و در عهده شناسد تحریرا فی شهر محرم الحرام سنه ۱۰۳۴  
محل مهر شاه عباس      محل مهر وزیر

(۹)

هو الله سبحانه  
الملك لله  
یا محمد یا علی  
فرمان همایون شرف نفاذ یافت آنکه در اینوقت بنا بر شفقت و عاطفت شاهانه درباره رفعت و کالت پناه نظاما کیخسرو بیک و ظهور امانت و دیانت و راستی و کردانی مشارالیه منصب جلیل القدر و کالت مخدرات معظمه مکرمه دیدی فالان باو شفقت فرموده ارزانی داشتیم که بامر مزبور و لوازم آن کمابینگی قیام و اقدام نموده دقیقه فوت و فرو گذاشت ننماید مخدرات مذکوره و کالت و رفعت پناه مومی‌الیه را و کیل مطلق العنان خود دانسته لوازم امر و کالت را بدستوری که در میانه ایشان معمول و متعارف است مخصوص او دانسته دست او را درامر مزبور قوی و مطلق دانند و جماعت تبعه دیدی فالان بموجب مسطور عملنموده اصلا از سخن و صلاح حسابی او که در باب معاملات

معزز و ممتاز و سرافراز کشته توجه خاطر دریا مقاطر اشرف درباره خود بدرجه کمال تصور نموده‌اند بداند که پیوسته خمیر منیر کیمیا تأثیر نواب کامیاب همایون باستفسار احوال آن عمده الحکام الکرام مصروف است که چونست و چه حال دارد می‌یابد که بهمه جهتی بتوجهات بیدریغ مستظهر و امیدوار بوده روز بروز چگونگی حالات خود را با حاجات و ملتسانی که داشته باشد عرضه داشت پایه سریر خلاف مصیر کرداند که بعز انجام و شرف اسعاف مقرون فرمائیم و خاطر من کل الوجوه جمع دارد که در این سال بدولت اقبال درین حدود قشلاق میفرمائیم و مهمات بر حسب اراده مدعاء احباء دولت بی‌زوال است در از یاد مواد اخلاص و یکجهتی کوشیده در زیارت تقصیر نه نمایند و در عهده شناسند تحریرا فی شهر رمضان و المبارک سنه ۱۰۲۶

(۶)

فرمان همایون شد آنکه در ینوقت بنا بر شفقت بی‌غایت شاهانه درباره رفعت پناهان زال بیک و کیو بیک ولدان کورام اعلی کرجی از ابتداء سچقان نیل الکا و محال متعلقه بکورام اعلی را که از قدیم الایام بدیشان تعلق داشت بدستور بموجب<sup>۸</sup> التحریر شفقت و مرجعت فرموده ارزانی داشتیم رعایا محال متعلقه بابیشان در هر جا و هر محال بوده باشند و بجا و مقام خود آمده نوعی که همیشه با کورام اعلی سلوک مینموده باشند و بهمانقاعده با ایشان سلوک نمایند اطاعت و انقیاد حسابی بجای آورند ایالت و سلطنت پناه شوکت و حشمت دستگاه خلف السلاطین کیان الایاله و اقبال فرزندى سمیون خان حاکم کارتیل و و کالت و رفعت پناه موروا بیک بموجب مسطور مقرر عالی



متعلقه بایشان و انتظام مهام آنسر کار کوید بیرون نرفته کمال اعزاز و احترام و متابعت بتقدیم رسانند و بیوقوف و اطلاع و کالت پناه مزبور مدخل در داد و ستد ایشان ننموده آنچه امر و کالت باشد باو متعلق شناسند در این باب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد نطلبند و چون پروانچه بمهر اشرف رسد اعتماد نمایند تحریرا فی شهر محرم الحرام سنه ۱۰۳۶

(۱۰)

الملك لله

فرمان همایون شد آنکه رفعت پناه کیویک کورام اغلی بعنایات بلاغایات شاهانه مفتخر و مباهی بوده بداند که در ینوقت بنابر وفور اخلاص و دولتخواهی رفعت پناه زال بیک شمه از مرحمت بیدریغ خسروانه شاملحال و کافل امانی و آمال او فرموده جا و مقام اصلی والد او را بدو شفقت فرموده او را بجانب کرجستان مرخص ساختیم می باید که اعزاز و احترام مشارالیه بجای آورده در هر باب آنچه لازمه امداد و همراهی بوده باشد بظهور رسانیده نوعی نماید که رفعت پناه مشارالیه از او راضی و شاکر بوده باشد درینباب تقصیر ننمایند تحریرا فی شهر جمادی الاول سنه ۱۰۳۶

(۱۱)

فرمان همایون شد [آنکه ... الا] مائل و الاقران ملک ...رم و

جماعت مذکور انیسل کرج[ستان]

... علی سلیمان  
ابراهیم بیک ولد...  
ما...

بهمه ابواب مستظهر و مستمال بوده بداند که حقیقت اخلاص و بیکرنکی ایشان که همیشه بدین دودمان ولایت مکان داشته اند بر نواب همایون ما ظاهر است می باید که اخلاص و بیکرنکی قدیم را منظور داشته با... ملک مذکور ...م ... .. قیام و اقدام نمایند که عنقریب ساخت آنملک مضرب سزادقات ... و جلال میگردد و ل... ..ست و دولتخواهی بنوازشات بیدریغ خسروانه ممتاز و سرافراز خواهد فرمود[د] در مراسم بیکرنکی و یکجهتی کوشیده بمراحم و عنایات شاهانه امیدوار باشند در اینباب تقصیر ننمایند و از ...داری متوجه درگاه عالم پناه کردند و در عهده دانند تحریرا فی شهر جمادی الاول سنه ۱۰۴۲

(۱۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

یا محمد یا علی

\*جذ بزرگوارم طاب ثراه

\*شاه بابا ام انارالله برهانه

[تغرا]

المومنین من [عبدالله]

ابوالمظفر صفی... بهادر

الصفوی الموسوی الحسینی سیوزومیز

علی حسن موسی حسین علی محمد

جعفر موسی محمد علی حسن محمد

چون از مضمون نشان نواب کیتی ستان فردوس مک[انی] ... بتاریخ شهر رمضان سنه ۱۰۲۱ بامضای فرمان اعلیح[ضرت] خاقان جنت مکان علیین آشیانی صادر کشته معلوم و مستفاد شد که مبلغ یکتومان و دو هزار و هفتصد و هشتاد و هفت دینار [تبریزی] از بابت متوجهات جماعت مذکور ذیل کج ساکن نخجوان

باسم الله یار و احمد و خلیفه و شرکا ۴۸۴۰ دینار	باسم الله یار رکن الدین رحمن و سعادت یار و عبدالکریم و شرکا ... ۵۳۰۷ دینار	باسم الله یار ... اسکندر قراملو... جمع شده ۲۶۴۰ دینار
---	---	--

بهجت آنکه از قدیم الایام سپاهی و سپاهی زاده بوده اند بمعافی و یساقی ... طلبی از ایشان نمیکرده اند و از دفتر لشکر ظفر اثر تصدیق نموده اند که در سنوات برینموجب مرد به یساقها آورده بخدمات قیام نموده اند

که در سنه ۱۰۳۶ مذکور به یساق آمده اسامی بقلم داده اند

۷۴ نفر

لوی نیل فتح ایروان سنه ۱۰۱۳ که بمدد سیبه و غیره آمده اند باسم میرزا بیک و غیره ۷۴ نفر	بیلان نیل آمدن جفال سردار رومی سنه ۱۰۱۴ بموجب رقم نواب فردوس آشیان کیتی ستانی بمحصل شاهوپردی یساوول کج باسم امرعلی و غیره بتاریخ ۱۲ شهر محرم سنه مذکور ۵ نفر	یونت نیل فتح قلعه کنجه بمحصل ایضا بتاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۱۵ باسم امر علی و غیره ۴ نفر
قوی نیل فتح قلعه شماخی بتاریخ ۱۵ شهر صفر سنه ۱۰۱۶ باسم میرزا خان و غیره ۵ نفر	ایت نیل سفر تبریز که مراد پاشا سردار رومی آمده بود باسم تنکر یوردی و غیره بتاریخ ۲۹ شهر شعبان سنه ۱۰۱۹ ۵ نفر	تنگور نیل سفر تبریز بتاریخ ۱۵ شهر شعبان سنه ۱۰۳۰ باسم خضر و غیره ۵ نفر
بیلان نیل و یونت نیل سفر ثالث بغداد بتاریخ ۱۵ شهر ذی قعدة سنه ۱۰۳۹ باسم عبدل (؟) ولد بدرخان و غیره ۳ نفر		

همایون ما نمود بنابر شفقت بلا نهیای شاه‌ی و مراحم<sup>۶</sup> بلاغایت پادشاهی درباره مشار الیه املاک موروثی اولاد کورام بیک مزبور را<sup>۷</sup> بدو شفقت<sup>۸</sup> و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم و مقرر فرمودیم که نزد سلطنت و ایالت پناه حشمت و جلالت دستگاه عالیجاه خلف السلاطین العظام ... للسلطنه و الاقبال اخوی ام رستم خان رفته حسب الصلاح سلطنت پناه مومی الیه بخدمات قیام و اقدام نموده آثار جانسپاری و دولتخواهی خود را ظاهر سازد بیدریغ خسروانه بهره‌مند میفرمایم درین باب قدغن دانند تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۴۴ محل مهر شاه صفی سواد مطابق اصل است قلمی نموده‌ام اخوند قورچی باشی زاده

(۱۴)

الملک [شه]

فرمان همایون شد آنکه رفعت و معالی پناه نظاما کیخسرو بیک بشفقت شاهانه مفتخر و سرافراز کشته بداند که ایالت و سلطنت شوکت پناه حشمت و جلالت دستگاه عالیجاه خلف السلاطین العظام شجاعا للسلطنه و الشوک و الاقبال اخوی ام رستم خان والی گرجستانات حقیقت مردانگی و اخلاص و یکجهتی آن رفعت پناه را در ینولا که طهمورث در حوالی سورم شکست خورده فرار نموده بخدمت اشرف عرض نموده بود باعث از یاد شفقت پادشاهانه درباره آنرفعت پناه کردید بر آن رفعت پناه و جمیع مردم گرجستان ظاهر است که طهمورث مذکور باعث خرابی گرجستان بوده و هست و دفع شر او جهت رفاهیت سکنه گرجستان بر همگی مردم گرجستان لازم است میباید که بیشتر از پیشتر از روی اخلاص و اعتقاد در خدمت ایالت و سلطنت پناه عالیجاه مشارالیه بتقصیر از خود راضی نشده هر گاه من بعد اراده آمدن گرجستانات نماید باتفاق از ناوران و کل مردم کارتیل از روی اخلاص و یکجهتی در دفع و رفع او کوشیده نوعی نمایند که مردم گرجستانات از شر فتنه او آسوده خاطر کردند از هر کسی که خلاف دولتخواهی ظاهر شود حقیقت را خاطر نشان ایالت سلطنت پناه مشارالیه نماید که بهر نوع که صلاح دولت روز افزون و رفاه حال سکنه آنجا داند مقرر دارد که بعمل آورند آنچه لازمه اخلاص و یکجهتی بوده باشند بعمل می‌باید آورد که حقیقت اخلاص و یکجهتی هر یکرا که سلطنت پناه مشارالیه بخدمت اشرف عرض نماید او را مشمول شفقت خسروانه خواهیم کردانید درین باب قدغن دانسته در عهده شناسد تحریراً فی شهر محرم الحرام سنه ۱۰۴۵

(۱۵)

سواد من الاصل از شاه صفی من عنوان الکتاب باسم رستم خان اسمی مهر هست از جان غلام شاه صفی فرمان همایون شد آنکه ایالت و شوکت پناه عمده الحاکم الاکرام شجاع الایاله رستم خان اوسمی بشفقت بیغایت شاهانه و عنایت بی‌نهایت

که در سنوات مذکور سفر آذربایجان مقرر شده که جماعه مذکور با حاکم نخجوان باشند ونوشته رفعت پناه بهادر بیک ولد عمارت پناه مقصود سلطان حاکم نخجوان در دست دارند که در یساقها<sup>۹</sup> مذکور پنج نفر مرد به یساق آورده‌اند

اودئیل و بارس ئیل سفر اول گرجستان جماعت ساکن نخجوان با مرحوم دلو محمد و عمارت پناه مقصود سلطان به یساق آمده‌اند یونت ئیل جنگ خلیل پاشا با حاکم نخجوان بوده‌ان	توشقان ئیل و لوی ئیل سفر ثانی گرجستانی حاکم نخجوان و جماعه بدستور مقرر شد که با مرحوم پیر بوداق خان در آذربایجان باشند اودئیل و بارس ئیل سفر گرجستان جنگ با حاکم نخجوان مقرر شده که قلعه ... را محاصره نمایند
--	---

و در ایت ئیل سفر قندهار و سجقان ئیل سفر اول بغداد مقرر نشد که یساقی آذربایجان به مذکور آیند و درتخاقوی ئیل سفر گرجستانی ایشان نوشته ... و رفعت و اقبال پناه عالیجاه مقرب الحضرت العلیه العالیه رستم بیک سپهسالار در دست دارند که در سفر مذکور پنج نفر مرد از جماعه مزبور باسم محمد علی و غیره خدمات و جانسپاری بتقدیم رسانیده تقصیری ازیشان واقع نشده ... شفقت بیغایت شاهانه و مرحمت بینهایت پادشاهانه شاملحال جماعت مذکوره ضمن [و] اولاد ایشان فرموده مقرر نمودیم که مستوفیان عظام مضامین<sup>۱۰</sup> نشان که درینباب شرف صدور یافته قدوه شناسد و جماعت مذکوره را بدستور سابق و نهج استمرار در دفاتر المعافی و مسلمی و یساقی عمل نموده موضوع و مستثنی دانند و بعلت قرالولوس یکدینار و یک من بار بدیشان حواله و اطلاق نمایند جماعت مذکور در هر جار و یساقی که واقف شود یساقی خود را بخدمات مرجوعه قیام و اقدام نموده بقلم لشکرنویس دهند حکام و تیولداران قرالولوس و نخجوان بعلت مال قرالولوس طلب و توقعی ننموده مزاحمت نرسانند که جماعت مذکور مرفه الحال بوده بسپاهیگری اشتغال نمایند درین باب قدغن دانسته از فرم<sup>۱۱</sup> [وده] [لف نورزند و] هر ساله نشان مجدد طلب ندارند کلانتران و توشمالان و سرخیلان ایل و الوسات خصوصاً کچ حسب المسطور مقرر دانسته از مضمون نشان همایون در [نکذرنند... هر گاه] این نشان بتوقیع و فیع منبع اشرف اقدس علی مزین و مجلی کردد اعتماد نمایند تحریراً فی شهر رجب الموجب سنه [۱۰۴۳]

(۱۳)

فرمان همایون شد آنکه چون در ینولا رفعت پناه کیویبیک کرچی ولد کورام بیک از راه اخلاص و یکجهتی بدرگاه جهان پناه آمده حکم نواب خاقانی جمجاه فردوس مکان جنت آشیان کیتی ستانی را ابراز نمود که املاک موروثی که کورام بیک مذکور در گرجستان کاخت دارد باو شفقت فرموده بوده‌اند در این باب استدعای امضای نواب کامیاب اشرف اقدس

پادشاهانه معزز و ممتاز و مقتخر و سرافراز کشته توجه خاطر اشرف را بارتفاع شان و اعتلاء مرتبه و مکان خود مصروف دانسته بداند که عریضه اخلاص آئین که درینولا بخدمت اشرف نوشته استدعاء مدد و کومک<sup>۱۰</sup> نموده بود بنظر همایون رسید و حکم جهانمطاع باسم ایالت و شوکت پناه حشمت و جلالت دستکاه عالیجاه نظاما الایالہ و الاقبال عربخان بیکلربیکی شیروان عز صدور یافته فرستاده باشند که هر گاه آن ایالت پناه را بمدد و کومک احتیاج شود بعالیجاه مشارالیه اعلام نماید اگر صلاح در رفتن خود داند تا قوشون روانه شود و الا چه مقدار لشکر که لازم بوده باشد نزد آن ایالت پناه فرستد می باید که بهمه جهتی توجهات بیدریغ خسروانه مستظهر و امیدوار بوده حاجات و ملتمسات که داشته باشد معروض ایستادگان<sup>۱۱</sup> پایه سریر خلافت مصیر نموده بعز انجام و شرف اسعاف مقرون شناسد در [این] باب توجه نماید و در عهده [دانند] تحریرا فی شهر ربیع الاول سنه ۱۰۴۶

حسب الامر الاعلی از قرار نوشته وزارت و اقبال پناه و حشمت و جلالت دستکاه عالیجاه توفیق ائاری و اعتماد الدوله علیه العالیه ...

... مهر	... مهر	... مهر
مهر علی شفیع محمد تقی	و افوض امری الی الله <sup>۱۱</sup>	بحمد لله شده (۶) ال محمد

(۱۶)

هو

الملك لله

فرمان همایون شد آنکه چون از تصدیق مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی مستفاد شد که مبلغ دوازده تومان از بابت مالوجهات قریه سنقرآباد معه قرا کشیش وقراملا بانعام همه ساله ملک نظر و ملک ساروخان ملکان سنقرآباد مقرر بوده متوفی شده‌اند و از قرار برآورد مبلغ پنجاه تومان و دو هزار دینار میشود و از آنجمله مبلغ دوازده تومان و نه هزار ونود دینار بهمه ساله صفر قلی و غیره غلامان قوشچی مذکور مقرر شده و همه [ساله] مبلغ چهل و دو تومان و دو هزار و نهصد و ده دینار بوده باشد بهمه ساله طهماسب قلیخان مقرر شده بود و حال بضبط وزیر

صفی قلی بیک

۷۳۹۴۰ دینار

... بیک ولد مشارالیه

۴۳۶۵۰ دینار

آذربایجان مقرر شده و در ینولا رعایاء قریه سنقرآباد بدرگاه معلی آمده معروض داشتند که در حینی که محل مذکور بانعام همه ساله ملکان مذکور مقرر شده بود ایشان بهست و بود عمل مینمودند و الحال که بضبط وزیر آذربایجان مقرر شده از قرار دیناری پنج‌دینار مینمایند و بهست و بود قابل نیست و ازین رهگذر نهایت تفرقگی در میانه رعایا واقع شده و استدعاء پروانچه اشرف در باب جمع نمودن رعایا و هست و بود نمودن محل مذکور نمودند و بر طبق مدعای خود نوشته وزارت و رفعت پناه عزت و معالی دستکاه اصفی صدرا محمدا وزیر آذربایجان ابراز نمودند که طلب دیوان از ابتداء تنکوز ئیل بغایت اود ئیل بقرار هر

ساله مبلغ چهل و دو هزار نهصد و ده دینار چنانچه رسد سه ساله مبلغ یکصد و بیست و شش تومان و هشت هزار و هفتصد و سی دینار از بابت مالوجهات قریه سنقرآباد مع قرا کشیش و قرا ملا سوی مبلغ دوازده تومان و نه هزار و نود دینار که موافق تصدیق مستوفیان عظام بهمه ساله غلامان مذکور مقرر شده میشود که بضبط مشارالیه مقرر است و مدعای رعایا آنست که محال مذکوره از تاریخ فتور موروا<sup>۱۲</sup> مردود و جماعت کرجی خراب و متفرق شده‌اند و طهماسب قلیخان نیز سال بسال هست و بود نموده بود مبلغ سی و یکتومان حاصل شده که مبلغ دوازده تومان و نه هزار و نود دینار بهمه ساله قوشچیان مزبور داده شده و نیمه که مبلغ هجده تومان و نهصد و ده دینار بوده باشد از جمله مبلغ چهل و دو تومان و دو هزار و نهصد و ده دینار خود متصرف شده و در سنه سجقان ئیل و اودئیل بجهت فتور لشکر رومیه شومیه در کل تفرقه یافته‌اند چنانچه میبلغ پنجتومان تبریزی در سنه سیجقان ئیل بعمل آمده و رفعت پناه محمد صادق ولد وزارت [و] رفعت پناه مومی الیه بمشارالیه چیزی نوشته که رعایا بنابر آنکه در سنوات هست و بود نموده‌اند و مشارالیه تکلیف جمع مینمایند جمعیت مینمایند واز قرار هست و بود نقصان کلی میشود ودر سنوات مذکور زیاده از مبلغ پنجتومان بتنخواه ارباب حوالات نموده و نزد رعایا باقیست و تا حکم هست و بود برعایا نرسد جمعیت مینمایند بنابرین مقرر فرمودیم که وزارت پناه مشارالیه هر گاه رعایا از عهده جمع برآوردی واقعی بیرون نتوانند آمد متفرقه آنجا را [ ] جمع نموده از قرار هست و بود عمل نمایند که بعد از آنکه بحلیه آبادانی درآیند





دستگاه عالی‌جاه سلاله السلاطین العظام نظاما للسلطنه و لاقبال طهمورث خان والی کرجستان کاخت صادر شد که آنچه از مجال مزبور در الکاء کاخت بوده باشد بتصرف کماشته آن عزت ایاب دهد و اگر سخنی داشته باشد عرض نماید و رقم اشرف باسم سلطنت و ایالت پناه اخوی مشارالیه نیز صادر کردید که محالی که در الکاء کارتیل بوده و حسب الاحکام مطاعه در وجه احدی مقرر نشده باشد بتصرف آن رفعت قیاب دهد بتوجهات شاهی امیدوار بوده مجدداً حسن اخلاص و یکجتهی خود را بمنصه ظهور رساند که باعث ازدیاد شفقت خسروانه دربارہ آن فضایل ایاب بوده باشد و در عهده شناسند تحریرای شهر شوال ختم الخیر و الاقبال سنه ۱۰۵۱

(۲۰)

حکم جهانمطاع شد آنکه سلطنت و ایالات پناه حشمت و جلالت دستگاه علیجاه عمده السلاطین العظام الکرام نظاما للسلطنته و الایاله و الحشمه و الاقبال طهمورث خان والی کرجستان کاخت بشفقت خسروانه امیدوار بوده چون بر مضمون رقم اشرف مطلع کرد محالی که وقف کورخانه و در الکاء آن سلطنت پناه بوده حسب الاحکام مطاعه در وجه احدی مقرر نشده باشد بدستوری که در تصرف کتله کوزهای سابق بوده بتصرف کماشته عمده المسیحیه کتله کوز حال دهد که موافق شرط واقف بمصرف رساند و سلطنت و ایالات پناه حشمت و جلالت دستگاه عالیجاه خلف السلاطین العظام الکرام جلاله للسلطنته و الایاله و الحشمه و الاقبال اخوی رستم خان والی کرجستان کارتیل بعرض رسانیده بود که سید و نود خانه از رعایا و مردم کارتیل در الکاء کاخت‌اند هر کس از مردم الکاء سلطنت پناه مشارالیه که در الکاء آنسلطنت پناه بوده باشد مانع نشده گذارد که بوطن مالوف روند و اگر در باب مجال وقفی کورخانه و جماعت مذکورہ سخنی داشته باشد حقیقت را عرض نموده بتوجهات خسروانه امیدوار باشد تحریرای شهر شوال سنه ۱۰۵۱

(۲۱)

جمادی<sup>۴</sup> الثانی ۱۰۵۱

حشمت و نصفت دستگاه عالی[جاه]... اخوی رستم خان والی کرجستان کارتیل میباشد مقرر شده بود که سال بسال از قرار تصدیق عالیجاه مشارالیه مهمسازی نماید درینولا مشارالیه استدعاء امضای نواب همایون ما نموده بنابراین مقرر فرمودیم که وزارت و رفعت پناه خواجه محمد وزیر و متصدی وجوهات و وزیر بیگلر بیکی شیروان مبلغ مزبور را سال بسال از قرار تصدیق عالیجاه مشارالیه واصل ساخته قبض باز یافت نمایند که از آن قرار بخرج مجری است درینباب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد نطلبند و در عهده [داند] تحریرای [فی شهر] شوال سنه ۱۰۵۲

(۲۲)

الملک لله \* شاه بابام انار الله برهانه و جعل الجنة مکانه محل مهر شاه عباس فرمان همایون<sup>۱۵</sup> شد آنکه چون بموجب پروانچه نواب خاقان رضوان مکان \* که بتاریخ شهر رجب سنه ۱۰۳۹ شرف صدور یافته مضمون آنکه مبلغ شش تومان پنجهزار و دوازده دینار بمبلغ و بلا مبلغ از بابت مجال لوری و سمخوت کرجستان بسپورغال اولاد ملک عطا بیگ ورثه مرحوم صفی قلیخان مقرر است در اینولا

از عهده جمع بروردی بیرون آیند و وجه همه ساله دارانرا از قرار تصدیق دفتر سال بسال بدست واصل ساخته سواد حکم و قبضی باز یافت نمایند که مستوفیان عظام بخرج آن وزارت پناه مجری دارند درینباب قدغن دانسته چون پروانچه بمهر [اشرف] رسد اعتماد نمایند تحریرای فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۰۴۷

(۱۷)

حکم جهان مطاع شد آنکه بنا بر شفقت شاهانه دربارہ رفعت و معالی پناه زیا علی فولاد بیگ زاخوری از تاریخ فوت مرحوم محمد بجان زاخوری جا و منصب او را برفعت و معالی پناه مشارالیه شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم که بواجبی بامر مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نموده دقیقه فوت و فرو گذاشت ننماید مستوفیان عظام رقم این عطیه را در دفاتر خود ثبت گردانیده از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسد و درینباب قدغن دانسته در عهده داند و چون رقم بمهر مهر آثار اشرف رسد اعتماد نمایند تحریرای فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۵۱

(۱۸)

فرمان همایون شد آنکه وزارت و رفعت پناه شمساً محمد صالح بیگ وزیر شروان از ابتداء ثیلان ثیل مبلغ یازده تومان و هفت هزار و سید دینار تبریزی از بابت وجوهات آنجا که بضبط آنوزارت پناه مقررست در وجه موجب همه ساله بابونه بیگ سیسی اعلی غلام خاصه شریفه که خود بهمه ساله استدعا نموده و از دفتر غلامان نوشته‌اند که نزد سلطنت و جلالت پناه حشمت و نصفت دستگاه عالیجاه خلف السلاطین العظام شجاعا للسلطنه و الایاله و الاقبال اخوی رستم خان والی کرجستان می‌باشد و از قرار تصدیق عالیجاه مشارالیه که بدفتر رسیده در کرجستان بلوازم خدمات آنجا قیام نموده تقصیری ندارد حسب الامر مقرر دانسته سال بسال از قرار تصدیق عالیجاه مشارالیه واصل ساخته قبض باز یافت نماید که بخرج مجری است در این باب قدغن دانسته در عهده داند و همه ساله حکم مجدد نطلبند و چون پروانچه بمهر اشرف رسد اعتماد نمایند تحریرای فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۰۵۱

(۱۹)

هو الله سبحانه  
الملک لله  
یا محمد یا علی

فرمان همایون شرف نفاذ یافت آنکه فضایل مآب رفعت قیاب عزلت ایاب عمده الفضلاء المسیحیه کتله کوز بشفقت بینهایت شاهانه و عاطفت بیغایت پادشاهانه سرفراز کشته بداند که سلطنت و جلالت پناه عظمت و بسالت دستگاه عالیجاه سلاله السلاطین العظام شجاعا للسلطنه و الاقبال اخوی ام رستم خان والی کرجستان کارتیل اخلاص و یکجتهی و دولتخواهی آن زبده العلماء العیسویه را عرض و استدعا نموده بود که مجال وقفی کورخانه در هر جا و هر محل کرجستان که بوده باشد بتصرف آن فضایل مآب داده شود که موافق شرط واقف به مصرف رسانند رقم اشرف باسم سلطنت و ایالت پناه عظمت و جلالت

رفت پناه علی بیک ولد ملک عطا بیک بدر کاه معلی آمده بعرض رسانید که از سیورغال مزبور حصه باو نداده‌اند و ایالت و شوکت پناه نصفت و دلالت دستکاه عالیجاه نظاما للایاله و الاقبال خسروخان بیکلربیکی شیروان در ایام میر شکار باشیکری تصدیق نوشته که رفعت پناه مشارالیه بخدمت اشرف عرض نموده مقرر فرمودند که ایالت پناه مشارالیه میانه ایشان کدخدائی<sup>۱۶</sup> نموده باتفاق ایالت و شوکت پناه حشمت و جلالت دستکاه عالیجاه نظاما للایاله و الاقبال محراب خان بیکلربیکی استرآباد در ایام یوزباشیکری موافق حال او و صلاح دولت فیما بین ایشان قسمت نماید و ایالت پناهان مومی الیه رسد مشارالیه را از محال مذکوره ذیل مشخص نموده‌اند بنابر شفقت درباره مشارالیه از ابتداء چهار ماهه توشقان ثیل محال مذکوره که ایالت پناهان مشارالیه حصه مومی الیه را از سیورغال مذکور بمبلغ از بابت محال لوری قریه امواج یکتومان پنج هزار چهار صد شصت دینار قریه مرسه یکتومان هفت هزار و پنجاه دینار بلا مبلغ از بابت قریه کرمکاه سمخوت مشخص نموده‌اند بسورغال مشارالیه شفقت فرموده ارزانی داشتیم کدخدایان و رعایای محال مذکوره مشارالیه را صاحب سیورغال خود دانسته سال بسال مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی خود را بدو جواب گفته چیزی موقوف ندارند حکام و عمال الکاه مذکور دخل در سیورغال مشارالیه نه نموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و درینولا رفعت پناه علی بیک ولد ملک عطا بیک مشارالیه استدعاء امضاء نواب کامیاب همایون<sup>۱۷</sup> ما باسم خود نمود و از دفتر توجیه و سرخط تصدیق نموده‌اند که سیورغال مذکور مستمر است بنابرین مقرر فرمودیم که مضمون حکم نواب خاقان رضوان مکان را من اوله الی آخره ممضی دانسته از فرموده تخلف نوزند در این باب قدغن دانسته<sup>۱۷</sup> هر ساله حکم مجدد نطلبند و چون پروانچه بمهر آثار اشرف رسد اعتماد نماید تحریرافی شهر جمادی الاول سنه ۱۰۵۴ حکم عالی شد آنکه چون رفعت پناه علی بیک ولد مرحوم ملک عطا بیک حکم مرحمت و غفران پناهی ام را باین مضمون که بموجب پروانچه مطاعه اشرف همایون مبلغ شش تومان و پنج هزار و دوازده دینار بمبلغ و بالامبلغ از بابت محال مذکوره ذیل از جمله سیورغال<sup>۱۸</sup> بمبلغ از بابت محال مذکوره لوری قریه امواج یکتومان پنج هزار چهار صد و شصت دینار قریه مرسه یکتومان هفت هزار پنجاه دینار بالامبلغ از بابت کرمکاه سمخوت ملک عطا بیک بسورغال علی بیک مومی الیه مقرر شده میباید که ملکان و کدخدایان و سایر محال مذکوره مضمون پروانچه اشرف را مطاع و قدوه شناخته اصلا دخل در محال سیورغال مذکور نمایند ابراز و استدعاء امضا نمود ایجابا الملتسمه مقرر فرمودیم که ملکان و ریش سفیدان محال مذکوره فوق بموجبی که حسب فرمان قضا جریان صادر کشته اصلا تخلف جایز ندارند مستوفی سرکار در دفتر ثبت نماید تحریرافی شهر

جمادی الثانی سنه ۱۰۷۰

جای مهر شهنواز خان<sup>۱۹</sup>

(۲۳)

هو

الملک الله

\*شاه بابا ام انار الله برهانه

فرمان همایون شد آنکه چون پروانچه بیاضی نواب رضوان مکانی\* بتاريخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۴۲ شرف صدور یافته مضمون آنکه چون رعایا و عجزه قریه

دوشانلو خاچین اران قرا باغ بعرض رسانیدند که در حوالی محل خاچین کوهی واقع است که از قدیم الایام از آنجا سنگ جهه طواحین می برده‌اند و بعضی از عجزه بان معاش می گذارنیده‌اند و هرگز احدی مانع و مزاحم نبوده و بداعتل طلبی ننمیده‌اند درینولا تیولداران خاچین بخلاف معمول قدیم مطالبات بداعتل مینمایند بنابرین مقرر فرمودیم که هرگاه از قدیم الایام بعلت بریدن سنگ احدی از تیولداران و عمال خاچین طلب و توقعی از عمله مزبور نمایند و از شکایت محترز باشند و نکذارند که خلاف قانون قدیم بعمل آراند... بدر کاه آمده استدعاء امضاء نواب همایون نمود و نوشته مرحوم محمد قلیخان حاکم سابق نیز ظاهر ساخته بتیولداران محل مزبور نوشته که چون بتخفیف و تصدق مقرر است مانع و مزاحم سنکترشان مزبور نشده بدینعلت طلب و توقی ننمایند بناء علیه مقرر فرمودیم که حکم مزبور را من اوله الی آخره بامضاء همایون ممضی و منفذ دانسته هر کاه بتقیض حکم مزبور صادر نشده باشد و کلاه بیکلربیکی و تیولداران و داروغکان و عمال خاچین حسب المسطور مقرر دانسته از مضمون و مدلول آن عدول و انحراف نوزند و بخلاف قانون قدیم معترض ایشان نکشته مانع و مزاحم نشوند درینباب قدغن دانسته در عهده داند و هر ساله حکم مجدد نطلبند

تحریرافی [شهر] شوال سنه ۱۰۵۷

(۲۴)

موضع مهر مبارک اشرف علی

فرمان همایون شد آنکه درینوقت بنابر عنایت بیغایت شاهانه و شفقت بینهایت خسروانه درباره رفعت و معالی پناه کمالات الزباربیک غلام خاصه شریفه برادر رفعت و معالی پناه مقرب الحضرت کستبدیل بیک پساوول صحبت از ابتداء هشتم ماهه سیبجان ثیل مبلغ پانزده تومان تبریزی از بابت مالوجهات و وجوهات موضع سنقرآباد و توابع که در عوض رسوم بهمه ساله عالیجاه قوللر آقاسی مقرر بود برطرف شده حسب الاستدعاء سلطنت و ایالت پناه حشمت و نصیفت دستکاه جلالت و ابهت اکتناه<sup>۲۰</sup> عالیجاه نظاما للسلطنه و الجلاله و الاقبال اخوی رستمخان والی کرjestان بتیول رفعت پناه مومی الیه شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم کدخدایان و رعایاء موضع مزبور سال بسال مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی خود را سوای قضیه خون بمشارالیه رفع نمایند که موافق حق و حساب پرسش نموده فیصل رساند حکام و عمال الکاه آذربایجان دخل در تیول مومی الیه نموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند مستوفیان عظام مبلغ بیست و نه تومان و سه هزار و هشتصد و بیست پنج دینار نقد و مقدار یک هزار و پانصد من میزان تبریز کندم برینموجب

همه ساله از بابت مالوجهات کنده ارش ۲۹ تومان و ۳۸۲۵ دینار

مقرری عن کیله... از بابت محصول اصفهان

...

از بابت مالوجهات کنده ارش شیروان و غیره که بهمه ساله و مقرری او مقرر بود از تاریخ مزبور جهه دیوان ضبط نموده مثبت تنخواه ارباب حوالات نمایند درینباب قدغن دانسته در عهده داند و هر ساله حکم مجدد نطلبند چون پروانچه بمهر مهر آثار رسد اعتماد نمایند تحریرافی شهر رجب سنه ۱۰۵۸

(۲۵)

سرخط تصدیق نموده‌اند که در سنوات بعد از ورود پروانچه امضاء نواب خاقان رضوان مکانی برینموجب اسفار واقع شده

هو  
الملک‌الله

پچی ئیسل و تخاقوی ئیل سفر کرجستان و وان غایب بوده‌اند	تنکوز ئیسل سفر ایروان بشرح ایضا	بارس ئیسل سفر بغداد
بیان ئیسل و یونت ئیل سفر... بدستور	سیچقان ئیسل سفر اول قندهار حاضر بوده‌اند ۳ نفر	اودئیسل سفر ثانی قندهار ... ۳ نفر

فرمان همایون شد آنکه چون در ینولا رفعت پناه بابونه بیک سیسی اغلی غلام خاصه شریفه بعرض رسانید که مبلغ یازده تومان و هفت هزار و ششصد دینار از بابت وجوهات الکاء شیروان بهمه ساله او مقرر است و وزیر الکاء مزبور مبلغی را جنس میدهد و مبلغ پنجتومان تبریزی از بابت رسد تنکوز ئیل و سچقان ئیل را موقوف داشته و از سر کار توجیه و غلامان تصدیق نمودند که مبلغ مذکور از بابت وجوهات الکاء شیروان بهمه ساله مشارالیه مقرر کشته و مستمر است بنابراین مقرر فرمودیم که الکاء شیروان بهمه ساله مشارالیه مقرر کشته و مستمر است بنابراین مقرر فرمودیم که ایالت و شوکت پناه نجابت و جلالت عالیجاه نظاما الا یاله و الاقبال خسرو خان بیکلربیکی شیروان بحقیقت رسیده آنچه از بابت مواجب سنوات مشارالیه باقی بوده باشد مقرر دارد که وزیر الکاء مذکور مهمساری نموده قبض بازیافت نماید و از ابتداء اودئیل سال بسال وجه همه ساله مومی الیه را موافق حکم اشرف مهمساری نماید درینباب قدغن دانسته در عهده داند و چون پروانچه بمهر اشرف رسد اعتماد نمایند تحریر فی شهر صفر سنه ۱۰۵۹

(۲۶)

و یساقی ایشان بشرحی که در تحت هر سال نوشته شد ودر بعضی اسفار غایب بوده در بعضی حاضر شده‌اند و رسد آنچه غایب بوده‌اند بقلم سرکار ضابطه داده شده که حواله نمایند واز سر و کار مزبور نوشته‌اند که مبلغ سی و شش تومان و شش هزار و نهصد و پنجاه دینار از دفتر سر خط بعلت مسترد مزد یساقی جماعت مذکور داخل نسخه مسترد نموده بقلم داده‌اند و مقرر شده که دو دانگ آن جهه تمیز و تشخیص بتحصیل داده شود و مبلغ دوازده تومان و دو هزار سیصد و شانزده دینار رسد دو دانگ وجه مزبور بتحصیل محمد مومن بیک بتحصیل محمد مومن بیک یوزباشی طالقانی مقرر شده و محاسبه تحصیلار مزبور که در فوق نوشته شده مبلغ مذکور را وصولی بقلم داده بنابراین مقرر فرمودیم که مستوفیان عظام مضامین احکام نواب کیتی دستان فردوس مکان و نواب خاقان رضوان مکان خلد آشیان را که درینباب صادر شده قدوه دانسته مبلغ مذکور فوق را که مال متوجهات ایشان است بدستور سابق و نهج استمرار در دفاتر بمعانی و مستثنی دانند که یساقی خود را هر یساقی که واقع شود موافق استمر سنوات حاضر ساخته بخدمات قیام نمایند کریم سلطان و کیل کنکولو و حکام و عمال ولایت مزبور بخلاف حکم و حساب مدخل در جماعت مزبور ننموده بعلت بیکار و شکار و طرح و دستاوند و علوفه و عیدی و نوروزی و سایر تکالیف و عوارض مسدوده الابواب مزاحمت بحال ایشان نرسانند درینباب قدغن دانسته هر ساله حکم و نشان مجدد طلب ندراند و چون بمهر آثار اشرف اقدس ارفع همایون اعلی مزین و مجلی گردد اعتماد نمایند تحریر فی شهر محرم الحرام سنه ستین و الف

هو الله سبحانه

الملک‌الله

بسم‌الله الرحمن الرحیم

یا محمد یا علی

للمؤمنین من عبدالله

ابوالمظفر عباس خان الصفوی

الموسوی الحسینی سبزوومی

\*جد بزرگوارم طاب ثراه علی حسن حسین محمد جعفر

شاه بابام انارالله برهانه موسی علی محمد علی حسن محمد

چون بنیاد و پایزخان و مراد خلیفه و رضاقلی و خواجم ویردی و محمود که اعیان و سلاطین کنکولو بوده‌اند و شاه کلدی رس قلی و قاسم جماعت کج ساکن نخجوان نشان نواب خاقان رضوان مکان که بامضاء نشان نواب کیتی ستان فردوس مکانی بتفصیل ضمن بتاریخ شهر رجب سنه ۱۰۴۳ صادر شده ابراز نمودند مشعر بر آنکه مبلغ یکتومان و دو هزار و هفتصد و هشتاد و هفت دینار مال متوجهات جماعت مذکوره ذیل بهجت آنکه از قدیم الایام سپاهی و سپاهیزاده بوده‌اند بمعافی و

باسم الله یار و احمد و خلیفه و ...

باسم الله یار... ۴۸۴۰ دینار

و عبدالکریم و شرکا

۵۳۰۷ دینار

باسم الله یار و شرکا که ضمن... اسکندر

قرماتلوا

جمع شده ۲۶۴۰ دینار

یساقی ایشان مقرر شده که در هر جار و یساقی که واقع شود بدستور استمرار مرد یساقی خود را حاضر سازند و استدعاء امضاء نواب همایون ما نمودند و از دفتر

(۲۷)

هو

الملک‌الله

فرمان همایون شد آنکه چون رعایا نهرام تومان نخجوان بدرکاه معلی آمده بعرض رسانیدند که قریه مذکوره در سر راه واقع است و ایلیچی و سایر مترددین که وارد محل مزبور میشوند اخراجات کلی بایشان میرسانند و کلانتر تومان نخجوان در توجیه اخراجات مملکتی علیحده رسد بایشان میرسانند و اخراجاتی که ایشان را واقع شده منظور نمیدارد و باعث ستم شریکی فیما بین رعایاست بنابراین مقرر فرمودیم که وزارت و رفعت و معالی پناه عزت و عوالی دستکاه اصفی شمسالوزاره و الرفعه میرزا صادق وزیر آذربایجان بحقیقت مقدمه معروضه رسیده مقرر دارد که کلانتر الکاء مزبور در توجیهات اخراجات مملکتی اخراجاتی که رعایا مزبور را از ممر عبور و مرور ایلیچی و چاپار و غیر ذلک روی میدهد موافق حق و حساب دخل توجیه

نموده رسد واقعی هر محل را مشخص نموده نوعی نماید که مطلقاً در توجیه حیف و میلی و زیادتی و ستم شریکی فیما بین رعایا واقع نشود و ابواب توجیحات را بخطر و مهر ارباب و اهالی هر محل رسانیده از انقراض توجیه نماید درینباب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد نطلبند تحریراً فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۶۱

(۲۸)

محل مهر

\*شاه بابام انارالله برهانه بنده شاه ولایت

عبلس

فرمان همایون شد آنکه چون قبل ازین پروانچه خاقان رضوان مکانی بتاریخ شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۰۴۱ شرف صدور<sup>۲۱</sup> یافته مضمون آنکه مالوجهات و وجوهات مزرعه اردوی من اعمال بمبلغ معین جمع و بالمناصفه بانعام همه ساله ملکجان و ملک داود مقرر است و حکم مطاع<sup>۲۲</sup> بتاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۳۹ گذشته و درینولا ملکجان مذکور بدرکاه عرش اشتباه آمده بعرض رسانید که چون ملک داود شریک او در آبادانی و زراعت و عمارت قریه مذکور نمی کوشید و موجب خرابی آنمحل میشد در حضور و کلاء حاکم و اعیان آنجا رعیت و آب [و] زمین را قسمت نمودیم که هر یک در حصه خود سعی در آبادانی نماید<sup>۲۳</sup> ملک داود مزبور بدستور حصه خود را چنانچه مشارالیه سعی می نموده او سعی ننموده و آبادان نساخته و الحال در باب قسمت پروانچه اشرف گذرانیده که مجدداً آب و زمین [و] رعیت را قسمت نمایند و مشارالیه استدعا نمود که پروانچه اشرف عز صدور یابد که بدستوری که سابقاً قسمت شده عملنمایند بنا بر این مقرر فرمودیم که چون قبل ازین قسمت آب و زمین [و] رعیت موقوف محضر سلیم خان شده بود و محضری<sup>۲۴</sup> که درینباب درست شده بمهر مشارالیه رسیده است ملک داود مزبور همان قسمت را منظور داشته بمجرد حکمی که مجدداً گذرانیده باشد که قسمت آب و زمین نماید مستند نگردد و بهمان قسمت اکتفا نماید که ملکجان مزبور در آبادانی حصه مقسومه خود نماید و درینولا رفعت پناه... بیک بدرکاه عرش اشتباه آمده عرض کرد که ملکجان مزبور والد او بوده و استدعا امضاء همایون نمود بنا بر این مقرر فرمودیم که حکم خاقان رضوان مکانی را من اوله الی آخره مضمی و منفذ دانسته فرموده تخلف نورزند درینباب قدغن دانسته در عهده دانند [تحریراً فی شهر] ذی حجه الحرام سنه ۱۰۶۱

از قرار نوشته سیادت و وزارت و اقبال پناه عالیجاه سلطان العلماء اعتمادالدوله العلیه العالیه الخاقانیه بر عنوان پروانچه سابقه که نزد صاحب پروانچه است شده

تو کله علی الله... (۲)

محل مهر وزیر اعظم

مطابق بالاصل نوشتن من میرزا محمد اغالروف

(۲۹)

هو

الملک الله

\*جد بزرگوارم تاب نراه

فرمان همایون شد آنکه چون رفعت پناه بابونه بیک ولد کیخسرو بیک سیسی

اعلی سواد حکم اشرف که بتاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۶۲ صادر کشته ابراز نمود خلاصه مضمون آنکه پروانچه نواب کیتی ستان فردوس مکانی عز اصدار یافته که موازی پنج خانوار از ناور و پنجاه خانوار رعیت از جمله از ناوران و رعایاء الکاء کارتیل که قبل ازین بیارسدان سیسی اعلی تعلق داشته بکیخسرو بیک سیسی اعلی شفقت شده بقید آنکه ناوران و رعایا الکاء مزبور خود را بزبدۀ الاشباه مومی الیه متعلق دانسته از سخن و صلاح حسابی او بیرون نرفته رعایت و مراقبت او را لازم دانند و حکام کرام ذوی احترام ولایت گرجستان حسب المسطور مقرر دانسته بخلاف حکم و حساب مدخل در جماعت مزبوره نمایند و استدعا امضاء همایون نموده بوده اند و مقرر فرموده بوده ایم که مرحوم رستم خان والی گرجستان حکم نواب کیتی ستان فردوس مکانی را من اوله الی آخره بامضاء نواب همایون مامضی و منفذ داند و در ینولا استدعا امضاء نواب همایون ما بهمه عالیجاه والی حال گرجستان نمود بنا برین مقرر فرمودیم که سلطنت و جلالت پناه حشمت و بسالت دستکاه ایهت و نصف انتباه عالیجاه خلف السلاطین العظام عمده الخوانین الکرام شجاعا للسلطنه و الایاله و الجلاله و الاقبال شاه نواز خان والی گرجستان حسب المسطور مقرر دانسته حکم مزبور را من اوله الی آخره بامضاء نواب کامیاب همایون ما مضمی و منفذ داند و از انقراض عملنمایند درینباب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد نطلبند تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۰۶۹

(۳۰)

هو

الملک الله

فرمان همایون شد آنکه وزارت و رفعت پناه عزت و معالی دستکاه آصفی نتیجه لوزاری ظهیر الوزاره<sup>۲۵</sup> و الرفعه و المعالی میرزا ابراهیم وزیر آذربایجان از ابتداء هشتم ماه تنکوز ثیل مبلغ چهل و هشت تومان و نه هزار دینار از بابت مالوجهات او وجوهات و تفاوت جزیه اکلیس که بهمه سائله عالیجاه شاه نواز خان والی گرجستان مقرر بوده و چون عالیجاه مشارالیه بر تبه ایالت الکاء مذکور سرفراز شده وجه مزبور بباقی آمده در وجه مواجب همه ساله رفعت پناه یار علی بیک برات ایلی که از دفتر غلامان نوشته اند که حسب الرقم اشرف از ابتداء هشتم ماه تنکوز ثیل در سلک غلامان خاصه شریفه منتظم کشته و مقرر شده که در سفر آذربایجان بخدمات مشغول باشد حسب الظهر مقرر دانسته در معامله تنکوز ثیل سی و دو تومان و شش هزار دینار رسد هشتم ماه و از ابتداء سحجان ثیل مبلغ چهل و هشت تومان و نه هزار دینار سال بسال از قرار تصدیق دفتر غلامان و توجیه رسانیده و از افراد قبض بخرج مجری دانند درینباب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد نطلبند تحریراً فی شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۰۶۹

(۳۱)

حکم جهان مطاع شد آنکه چون رفعت پناه یسایبیک کاختی بعرض رسانید که محال مذکور ذیل کاخت ملک موروثی

قریه جوریق قریه بوجفار

قریه ساج اربلا

مشارالیه است و در قدیم الایام هیچیک از حکام دخل در محال مزبوره موروثی مومی

که مقرر فرموده‌ایم کس همراه نموده در نهایت اعزاز و احترام روانه نماید تحریراً  
فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۷۱

(۳۴)

هو

الملک [الله]

فرمان همایون شد آنکه رعایاء قریه منجیل و خرزویل مبلغ سی و نه تومان و یکهزار  
و دوپست دینار تبریزی از ابتداء لوی نیل در وجه مواجب همه ساله رفعت و معالی  
پناه سهراب بیک غلام خاصه شریفه ولد رفعت و معالی پناه نظاما للرفعه الزبار بیک  
که عالیجاه قوللر آقاسی تجویز نموده که حسب الامر الاعلی از ابتداء لوی نیل مبلغ  
مزبور از بابت مالوجهات و وجوهات محل مزبور اضافه تیول رفعت و معالی پناه الزبار  
بیک بهمه ساله رفعت پناه سهراب بیک ولد مشارالیه مقرر کشته حسب الظهر مقرر  
دانسته سال بسال از قرار تصدیق عالیجاه والی گرجستان مهمساری نموده موقوف  
ندارند درینباب قدغن دانسته هر ساله حکم مجددا طلب ندارند و چون پروانچه بمهر  
آثار اشرف رسد اعتماد نمایند تحریراً فی شهر جمادی الاولی سنه ۱۰۷۵

الیه نمی‌نموده‌اند و استدعا نمود که مقرر فرمائیم که حکام حال نیز بدستور دخل  
در محال مذکوره نمایند بنابراین مقرر فرمودیم که ایالت و شوکت پناه حشمت و  
جلالت دستکاه عالیجاه نظاما للایاله و الشوکه و الاقبال مرتضی قلیخان زیاداعلی و  
مصاحب قاجار بیکلربیکی قراباغ و حاکم قلاع مبارکات شاه آباد و نصرت آباد کاخت  
و ایالت و شوکت پناه حشمت دستکاه زیبا للایاله و الشوکه علیقلی خان کنکولو  
حاکم نخجوان و قلعه مبارکة اسلام آباد در باب املاک متصرف فیه مشارالیه موافق  
شرح رقم مجملی که علیجده صادر شده باشد عمل نمایند و در عهده شناسند  
تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۷۰

(۳۲)

جای مهر شاه عباس

حکم جهانمطاع شد آنکه بنا بر عنایت بیغایت شاهانه و مرحمت بینهایت پاشاهانه  
درباره رفعت و معالی پناه عزت و عوالمه دستکاه کمالاتا للرفعه والعز و المعالی الزبار  
بیک از ابتداء ششماهه سیچقان نیل محال کوره ذیل گرجستانرا که رفعت و معالی  
پناه مشارالیه عرض نمود که موروثی و غیر موروثی مومی الیه است

قریه کومش

قریه غوبان

قریه منصوریت

قریه واکتاک

قریه کومش

قریه غوبان

قریه منصوریت

قریه واکتاک

قریه کومش

قریه غوبان

قریه منصوریت

قریه واکتاک

قریه کومش

قریه غوبان

قریه منصوریت

قریه واکتاک

قریه کومش

قریه غوبان

قریه منصوریت

قریه واکتاک

قریه کومش

قریه غوبان

قریه منصوریت

قریه واکتاک

قریه کومش

قریه غوبان

قریه منصوریت

قریه واکتاک

قریه کومش

قریه غوبان

قریه منصوریت

قریه واکتاک

پی‌نوشت:

۱. غزلباش

۲. شمکور؟

۳. قولی

۴. بموجبی

۵. نماید

۶. رساند

۷. مراهم

۸. کورام بیک مزبور اولادرا

۹. شفقت و اولاد

۱۰. استدعا و مدد کومک

۱۱. استاد کان

۱۲. الاله

۱۳. مورا

۱۴. جمدی

۱۵. همیون

۱۶. کدخدای

۱۷. تمام

۱۸. سیورغات

۱۹. سهورخان

۲۰. آکته

۲۱. زورود

۲۲. امضا

۲۳. تمام

۲۴. مختصری

۲۵. الاوزاره

۲۶. و کارتیل

۲۷. اعطبه

۲۸. در

۲۹. قانی

۳۰. خلاصه

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله

قریه حاله